

سرزمین جاوید

نگارش: فرید شولیزاده

بی گمان فرهنگ و تمدن ایرانی، از آغاز تا کنون استمراری بنیادی و پرتوان و پیوسته داشته است. این فرهنگ و نمودارهای فکری و معنوی آن، مانند حلقه های بهم پیوسته ی یک زنجیر می باشد. هر حلقه یا چند حلقه ی این زنجیر، توسط دانشمندان و هنرمندان و حکیمان و عارفان و... به فراخور زمان و مکان و ذوق و سلیقه آنان ساخته و پرداخته شده است. به ترتیبی که این دانه ها و حلقه ها پیراسته و آماده شده، پیوسته سازندگان هر عصر و دورانی، میراث بر تجربه ها و آموخته ها و داده های پیشینیان خود بوده اند و نمیتوانسته اند از آن گنجینه بی نیاز باشند، اما همیشه برابر با زمان و مکان و در برخورد با فرهنگ ها و تمدن های دیگر، و در بازار پر رونق داد و ستدها، بر آنچه که از پیش به آنان رسیده، افزوده، و همین پویایی و عدم ایستائی است که فرهنگی همیشه در حال تحول، زنده و نو را برای نسل بعدی بر جای نهاده.

اما در برخورد اندیشه ها و داد و ستد ها، این ایران و فرهنگ و تمدن ایرانی است که عناصر نو و پویا و متحول و شگرف بشری را بیشتر به دیگر ملت ها و اقوام داده است. از سوئی دیگر، آنچه را نیز که اخذ کرده، در این کوره گدازنده و توانمند، آنچنان ذوب کرده و آمیخته که چیزی دیگر، در ارزش و تازگی بدر آمده است.

اما تمدن و فرهنگی که نیرومند، ریشه دار و اصیل و کهن روزگار و همچین پویا بوده و در داد و ستد جهت باروری و رشد و شکوفایی آماده و دور از تعصب باشد، دوام می آورد. ایران کهنسال و دیرینه تاریخ، در طول زمان بسیار دراز بسا که مورد تهاجم و تاخت و تاز اقوام وحشی قرار گرفته و از دیدگاه نظامی شکست خورده و مهاجمان در آن به حکومت پرداخته اند:

حمله ی آشوریانی پال 646 پیش از میلاد
حمله ی اسکندر گجستک 334 پ م
حمله ی وحشیانه ی اعراب 637 میلادی
حمله ی ترکان غزنوی 999 م
حمله ی ترکان سلجوقی 1030 م
حمله ی ترکان قراختایی 1141 م
حمله ی ترکمان های غز 1159 م
حمله ی خونین مغول ها 1120 م
حمله ی تیمور 1381 م

اما در برابر فرهنگ و تمدن سرشار و نیرومندش، چون به نسبت، همه مهاجمان در برابر آن ضعیف و فقیر بودند به طریق وام گیری در آمده و به زی و کسوت فرهنگ ایرانی در آمدند.

در دوران چنین حکومت هائی، فرهنگ و تمدن ایرانی همچنان راهرو و پویایی روش دیرینه بوده و هیچگاه این زنجیره استوار فرهنگی در این سرزمین نگسسته است، بلکه هم فرهنگ و تمدن مهاجمان را در حد توان در خود مزمل کرده و هم اقوام مهاجم را در بطن جامعه خویش جای داده تا جائی که آنان خود پشتیبان و مروج این فرهنگ و تمدن و زبان شده اند.

از تهاجم هائی داستانی، اساطیری، تاریخی که مربوط به دوران پیشدادیان و کیانیان، تا مادها، هخامنشی ها و پارتها و ساسانیان می شود، و پس از آن تازیان و اقوام گوناگون ترک به ویژه مغول ها و اعقاب آنان تا همین اواخر و یونانیان که پس از هخامنشی ها به

ایران آمدند همیشه این فرهنگ و تمدن و زبان ایرانی بوده که ملل و اقوام مهاجم را ایرانی مآب کرده است. اما چون عنصر قالب در اصول بنیادی تفکر و بینش ایرانی پویائی و سازندگی و بالندگی بوده، همواره بصورتی ذاتی در پس هر تهاجمی روند دوباره سازی و زنده شدن و رونق دوباره را در پیش گرفته و همواره چون کوهی استوار بر بلندای تاریخ بر جای مانده.

این سرزمین، خاستگاه نیاکانی ماست که پیامبری بی مانند چون اشو زرتشت از آن برون آمده و به مردمان روی زمین فرهنگ نیک زیستن و راه رستگاری را آموخته، در زنده نگاه داشتن گوهره فرهنگ و زبان و گنجینه فکری آن بکوشیم.